

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۳ نومبر ۲۰۱۵

همه راه ها به "قندوز" * می انجامد!

۱

این نوشته در اساس می تواند به مثابه ادامه و مکمل نوشته "جنگ قدرت بین "غنی-عبدالله" و سقوط قندوز" این قلم که به تاریخ ۲۹ سپتمبر ۲۰۱۵ شب فردای اشغال قندوز به وسیله "طالب"، منتشر شد، به شمار بیاید. در آن نوشته که بخشی از واقعیت را انعکاس می داد نه تمام آن را، آمده بود که باند "غنی- اتمر" با سپردن قندوز به "طالب"، تلاش نموده است تا نخستین حلقه زنجیر خلع حریفش "عبدالله" را به صدا در آورد. آن تحلیل با وجودی که بخشی از یک واقعیت را انعکاس می دهد، از پرده بیرون افتادن برخی از راز ها نشان داد که به هیچ وجه نمی توانسته کامل باشد، لذا با عرض پوزش خدمت خوانندگان عزیز پورتال که مطلب ناقصی را از این قلم خوانده اند، در اینجا کوشش می نمایم تا در پرتو برخی از پارچه های جداگانه، تصویر کاملتری را از آن واقعیت ارائه بدارم، این که به چه اندازه در تعمیم هدف موفق خواهم بود و یا باز هم نقایصی عرض اندام خواهد نمود، وادارم می سازد تا باز هم به مانند دفعات قبل دست کمک به طرف شما خوانندگان عزیز دراز نموده، صمیمانه بخواهم تا با تکمیل نقایص آن بر من منت گذارید. و اما در ادامه بحث:

با تأسف محرومیت شخص خودم از شرکت مستقیم در تحولات جاری افغانستان و فقدان مواد روشنگرانه از منابع قابل اعتماد انقلابی، باعث می گردد، تا باز هم بحثم را اگر نه با چشمان بسته، بلکه تقریباً کورمال کورمال آغاز نموده، استنتاجات ممکن از آن نمایم. چنانچه:

- می دانیم وقتی حدود ۵ ماه قبل "پوتین" سفری به آسیای میانه داشت، بعد از دیدار های چندی با رؤسای جمهور آن کشور ها، تمام تلاشش این بود تا توجه جدی آنها را در زمینه امنیت منطقه جلب نموده، حتا با یک نوع بزرگمائی و "طالب ترسانی"، آنها را وادار سازد تا جهت بقای شان در مقابل هجوم احتمالی "طالب- داعش" هرچه بیشتر خود را با مسکو نزدیکتر ساخته، برنامه های دفاعی مشترکی را روی دست بگیرند.

ماحصل این تلاشها گذشته از عقد قرار داد های چند، گسترش و تحکیم موافقات قبلی مسکو با تاجیکستان بود که سرانجام به استقرار نیروهای تازه نفس با وسایل تقویتی جدید روسها در نوار مرز تاجیکستان- افغانستان بود.

- حدود یک هفته قبل از سقوط قندوز، ملا "اختر محمد منصور" گماشته جدید "آی. اس. آی" بر مسند رهبری طالبان، ضمن ارسال پیام خاصی به خاطر آمدن عید قربان و ابراز تبریک به مسلمانان افغانستان و جهان، رسماً اعلام داشت که

همسایگان شمال افغانستان نباید از قدرت گیری آنها هراسان شود، چه طالب به هیچ صورت تصمیم ندارد تا امنیت آن کشور ها را زیر سؤال ببرد.

- در جوشاجوش "فتوحات!!" دوستم در ولایت فاریاب به خصوص زمانی که تعداد زیادی از خبرنگاران و به اصطلاح اعضای "جامعه مدنی" در رکابش قرار داشتند، نامبرده با صراحت اعلام داشت که هرگاه "رئیس جمهور" بخواهد فتوحاتش را در ولایات قندوز، تخار و بدخشان نیز ادامه داده، "طالب" را نابود خواهد نمود. مگر همه دیدیم که نه تنها "غنی" با چنین امری موافقه ننمود، بلکه معاش ماهوار آن عده از منسوبین اردو که در معیت وی قرار داشتند، به گفته "سعادت" یکی از اعضای امنیتی طویله، به امر شورای امنیت و شخص "اتمر" نیز قطع گردید تا به ناگزیر به کابل مراجعت نمایند.

- دوستم بعد از آمدن به کابل و بدون آن که دیگر خبری راجع به "فتوحات" وی به رسانه ها درز نماید و یا هم از بازتاب جار و جنجال هایش با "غنی-اتمر" چیزی شنیده شود، راهی روسیه می گردد و در آنجا از مقامات روسی به پاس "آشنائی های قبلی" کمک تسلیحاتی می خواهد.

- دوهفته قبل از سقوط قندوز، دولت دست نشانده با بخش هائی از "طالب" در ولسوالی "دهنه غوری" ولایت بغلان معاهده عدم تعرض به امضاء می رساند که چیزی نیست به غیر از به رسمیت شناختن یک پایگاه جهت تجمع افراد و عوامل طالب از نقاط مختلف کشور به غرض تصرف قندوز.

- در جلسه استیضاحی که فردای سقوط قندوز طویله نشینان، برای وزرای "دفاع و داخله" و رئیس به اصطلاح "امنیت ملی" ترتیب داده بودند، در آغاز هریک از وکلاء چنان غرابه می نمودند که اگر کسی این ضرب المثل معروف را نشنیده بود "سگی که زیاد غف می زند، دندان نمی گیرد"، فکر می کرد که در تعقیب آن استیضاح، اگر هر سه فرد مسؤول امنیتی در افغانستان، به دار کشیده نشوند، حد اقل با اقتضاح بیرون انداخته خواهند شد. در جوشاجوش چنین فضائی رئیس امنیت ضد ملی "نبیل" به دنبال آن که افشاء نمود که از هفت ماه قبل از آن روز نه تنها از برنامه های "طالب" مطلع بودند بلکه آمادگی های عملیاتی نیز جهت سرکوب و قلع و قمع آنها گرفته شده بود و تمام برنامه از طرف "شورای امنیت" که همه وقته با ریاست شخص "غنی" و با شرکت تمام سران "حکومت خیانت ملی" اعم از "دوستم، دانش، عبدالله، محقق، خان محمد، اتمر"، و وزرای مسؤول امور امنیتی برگزار می گردد، ملغا قرار گرفت. وقتی اعضای طویله از وی خواستند، که چرا چنین شد و دلایل آن چه بود، "نبیل" جهت دفاع از خود و سیاست های حاکمیت، خواست جلسه غیر علنی اعلام گردد، تا بتواند حرفهایش را بزند. بعد از صحبت "نبیل" در جلسه غیر علنی همه شاهد بودیم، که نه تنها هیچ غر و فشی دیگر از اعضای طویله بالا نشد، بلکه با راز داری غیر قابل تصویری، هیچ یک از آنها حتا لب تر نکردند، که "نبیل" چه گفت که باعث قناعت همه گردید.

- "غنی" در سخنرانی فردای سقوط قندوز، با صراحت کامل از ارگانهای امنیتی اش دفاع نموده، به خصوص در مورد سرپرست وزارت دفاع دولت دست نشانده، قاطع و صریح اعلام نمود که شخص وی تمام آنچه را انجام داده است، به صورت مطلق برنامه دولت بوده است.

- یک هفته بعد از سقوط قندوز، "عطاء محمد نور" به اصطلاح "شاهنشاه بلخ" ضمن یک مصاحبه می گوید، که من از تمام تحولات قندوز اطلاع داشتم و آنها را با شخص "غنی" در میان گذاشتم، وی وعده داد، که بعد از عید قربان، طی عملیاتی طالب را از آن ولایت بیرون خواهد کشید.

- "عبدالله" بعد بازگشت از سفر امریکا، خلاف سایر نوچه های "شورای نظار" که با سقوط قندوز پای به میدان گذاشته ابراز وجود نمودند، بدون کمترین غروفشی تقریباً در یک حالت شبه خاموشانه ای، کسانی را انتقاد نمود که از تربیون دولت به انتقاد از دولت می پردازند.

- مقارن همین ایام دولت "اوباما" و کنگره آن کشور با مشاهده سقوط قندوز، عاجل تصمیم گرفتند تا در مورد خروج عساکر امریکائی از افغانستان، باز نگری نموده حدود ۵ هزار و ۵۰۰ سرباز را برای مدت دو سال دیگر در افغانستان نگهدارند.

- برخی از کشور های غربی عضو ناتو، من جمله المان و انگلستان نیز فیصله نمودند، تا برای دوسال دیگر به موجودیت عساکر شان در افغانستان ادامه دهند.

- "غنی" حین سفرش به قندوز، از تمام کسانی که در واقعیت امر قندوز را به "طالب" سپرده بودند، تقدیر به عمل آورده، به تعدادی از آنها مدالهای افتخار نیز اعطاء نمود.

خوانندگان نهایت عزیز!

حال بیاید تمام این پارچه ها را کنار هم چیده، یک تصویر بالنسبه کامل تری را ترسیم نمائیم:

رئیس امنیت از فعالیت طالبان اطلاع می یابد، برنامه سرکوب و نابودی آنها را می ریزد، شورای امنیت با آن مخالفت می کند، روسها چندی بعد از آن عساکر شان را بر سرحدات تاجیکستان متمرکز می سازند، ملا اختر به روسها اطمینان می دهد که مزاحم آنها نمی شود، دوستم تصمیم به عملیات می گیرد، منع می شود مگر ضمن سفر در روسیه، از آنها کمک تسلیحاتی می خواهد، دولت دست نشانده در دهنه غوری پایگاه برای طالب تدارک می بیند، "عطا" "غنی" را در جریان قرار می دهد، "غنی" همه چیز را به بعد از عید موکول می کند، در همین فاصله "طالب" بر قندوز استیلا می یابد، رئیس امنیت دولت دست نشانده در داخل طویله ضمن یک مجلس سری، مطالبی را مطرح می سازد که بعد از آن اعضای طویله سرمه خورده خفقان مرگ می گیرند، امریکا و ناتو بر تصمیم خروج عساکر شان تجدید نظر نموده، فیصله به دوام موجودیت پنج و نیم هزار سرباز برای مدتی چند در افغانستان می کنند، "غنی" خوش و خوشحال به گریختگی ها، مدال می دهد و "عبدالله" هم رسانه ها را انتقاد می کند که از تربیون دولت، علیه دولت صحبت می کنند.

نمی دانم شما جهت رسیدن به یک تصویر کجا را نقطه عطف قرار می دهید، برای من، آنچه به مثابه نقطه عطف می تواند خود را متبازل سازد، تمرکز بر آنچه "نبیل" در طویله گفته است می باشد. زیرا:

- همه می دانیم که اعضای طویله خیره ترین افراد در وطنفروشی و دهن دریده ترین افراد در رازداری می باشند. "نبیل" چه باید در "طویله" گفته باشد، که همه بدون استثناء از شورای نظاری تا سیافی و کرزئی و از حزب اسلامی تا روابط "غنی-اتمر" به آن تمکین کرده و بیشتر از آن سروصدا به وجود نیاوردند؟
به نظر من، "نبیل" به یقین گفته است:

در "شورای امنیت ملی" به اتفاق آراء فیصله به عمل آمد، تا به این کار دست نزنیم و حتا از سقوط قندوز نیز نه تنها جلوگیری نکنیم بلکه آن ولایت را به صورت "صلح آمیز" به "طالب" تسلیم بداریم، تا جناح نظامی گران کنگره امریکا بر "اوباما" فشار وارد نموده، از خروج سربازان آن کشور جلوگیری به عمل بیاید. با این کارنه تنها همه ما امنیت و بقای بیشتر خواهیم داشت، بلکه از آنجائی که موجودیت هر ۱۰۰۰ سرباز امریکائی یک میلیارد دالر را نیز با خود همراه دارد، برای چند سال دیگر باز هم دکان و کاسبی ما رونق خواهد یافت.

فقط با حرکت از همین منظر، یعنی تمام لاشخوران طویله را در جریان برنامه دولت دست نشانده قرار دادن بود که همه آنها راضی و سر حال راهی منازل خویش گردیدند.

وقتی روسها به وسیله ستون پنجم شان در داخل اداره مستعمراتی کابل از ماقع مطلع می گردند، به زود ترین فرصت از موقع استفاده نموده، روابط نظامی- امنیتی آن کشور را با تمام کشور های آسیای میانه محکمتر نموده، به اولین سنگر یعنی سرحدات تاجیکستان سرباز می فرستند.

از آن جایی که پاکستان تازه جذب شده به پیمان امنیت دسته جمعی شانکهای از یک جانب چشم امید به کمکهای روسیه و چین دوخته است و از طرف دیگر نمی خواهد در پیمان شانکهای زیر فشار سیاست های هند، به مؤاخذه کشانیده شود، در اولین اقدام به ملا "اختر منصور" دستور می دهد تا جهت آرامش خاطر روسها، اعلامیه صادر نموده با تأکید بر مرز های عملیاتی شان روسها را آسوده خاطر بسازد.

دولت دست نشانده در عین حالی که تصمیم می گیرد تا قندوز را به "طالب" بسپارد، از "دوستم" نیز می خواهد تا ضمن تماس با روسها و در خواست کمک تسلیحاتی از آنها، رقبیش امپریالیزم جنایتگستر امریکا را تحریک نماید که اگر آنها دست به جیب نبرند، "برادر بزرگ شمالی" را به کمک خواهند خواست و وقتی همه چیز به خوشی و طبق برنامه پیش می رود، "غنی" می بایست از سرپرست وزارت دفاع دولت دست نشانده و تمام صاحب منصبانی که در این برنامه نقشی ایفاء نموده بودند، تقدیر به عمل می آورد و اما چرا تمام راه ها به قندوز ختم می گردد، در بطن خواست همگانی خاینان به ملت و امپریالیزم، تمام آحاد در گیر، خواستهای خصوصی نیز داشتند که می توان در مورد نوشت:

- به ارتباط خواست "غنی" از سپردن قندوز و برخی دیگر از شهرهای شمال کشور قبلاً نوشتیم که "غنی - اتمر" با این تکنیک می خواستند و می خواهند طرف شان یعنی باند "عبدالله" را از پشتوانه های شان محروم بسازند.

- "عبدالله" و باندش با اطلاع از این که تزئید هر نوع ناآرامی و تشدید تشنج، جناح مقابل یعنی باند "غنی - اتمر" را وادار می سازد تا بیشتر از پیش به نظامیان و نیروهای مسلح روی آورده، نقش آنها را در اداره مستعمراتی مؤثر تر بسازد، بدون آن که با تمام حواریونش از برنامه خود چیزی اطلاع دهد، به همین منظور از صمیم قلب می خواهد، برخی از شهرهای شمال را به "طالب" بسپارد.

افرادی از قماش "بسم الله محمدی" که دل خوشی از "حکومت خیانت ملی" ندارند و فکر می کنند تا به آن اندازه مورد بی مهری قرار گرفته اند که ممکن است تمام تقلبات و اختلاس های آنها اشکار گردد، با نفوذی که در اردو دارند، به خاطر رسیدن مجدد به قدرت، از حواریون بی شمار شان در اردو می خواهند، تا نه تنها مقابل "طالب" سلاح به دست نگیرند، بلکه با یک فرار "شجاعانه" و مورد پسند مقامات "حکومت خیانت ملی" و سپردن قسمتی از سلاح و تجهیزات شان به دشمن برای فردای شان ذخیره تجاری نموده، جان خویش را نیز نجات بدهند.

- امپریالیزم جنایتگستر امریکا که تا قبل از آن فکر می نمود که افغانستان را می شود بدون حضور سربازانش هم نگهداشت و دیگر خطری از جانب رقیب وجود ندارد، وقتی تحرکات جدید اردوی خونریز روسیه را با تمام تواناییهای نظامی اش در اوکراین و به خصوص در سوریه دید، بدان متیقن گردید که می باید در افغانستان حضور نظامی قدرتمند خویش را حفظ نماید و به خاطر رسیدن به چنین امری، چه بهتر که شهری چون قندوز سقوط می نمود تا امریکا می توانست باز هم با ماسک مبارزه علیه تروریسم وارد میدان گردد.

اینجاست که همه راه ها به "قندوز" می انجامد. "غنی-اتمر" در حد توان یکی از مناطق نفوذ "عبدالله" را آسیب رسانیده، لرزه به نقاط دیگر آن می افکنند، "عبدالله" از طریق "قانونی"، "سیاف"، "اسماعیل خان" و عده دیگر باز هم

پای "مجاهدین" را بیشتر از پیش به حاکمیت می کشاند، "بسم الله محمدی" دو باره خود را به مثابه یکی از کاندیدان وزارت دفاع دولت دست نشانده مطرح می سازد، "کرزی" به افاده فروشی آغاز نموده با طرح تدویر "لویه جرگه" ، "غنی" را وادار می سازد تا سالانه بیش از ۵ میلیون دالر به وی حق السکوت بپردازد، امپریالیزم جنایتگستر امریکا هم، ضمن نواختن بر طبل جنگ، کیوتر سفید به هوا می فرستد.

این که بر مردم "قندوز" و شهر های همجوارش چه آمد، باشد برای قسمت بعدی .

یادداشت:

عنوان مطلب تصرفی است در ضرب المثل معروف اروپائی زبانها به خصوص المانها که می گویند " همه راه ها به روم می انجامد".

در مورد بستر پیدایش این ضرب المثل، بیشتر دو حدس مورد بحث قرار می گیرد: یکی حاکمیت مطلق امپراتوری در تمام قرون اولی و حتا بخشی از قرون وسطا بر بخش اعظم اروپا و دیگری حاکمیت و سلطه مذهبی کلیسای کاتولیک از مقرش در روم که تا حال ادامه یافته است.

م.